

شمس الدین محمد گیلانی مربی شاه اسماعیل صفوی

منصور داداش نژاد

قاضی شمس الدین محمد گیلانی از علمای لاهیجان در قرن دهم هجری، متکفل تعالیم مذهبی اسماعیل به هنگام اقامت وی در لاهیجان، هنگام فرار از دست سپاهیان رستم آق قویونلو، بوده است. از او با عنوان قاضی، معلم و صدر شاه اسماعیل یاد شده و در انتساب به مولدش به وی لاهیجی و گیلانی نیز اطلاق گردیده است.

شاه اسماعیل از سال ۸۹۹ هجری به بعد به مدت پنج سال (مدت اقامت اسماعیل در لاهیجان شش سال و نیم نیز ذکر شده است. زبده التواریخ، ص ۴۸) تحت حضانت کارکیا میرزا علی، حاکم وقت لاهیجان که خود را از اعقاب امام علی(ع) می دانست و شیعه بود، به سر برد. او شمس الدین لاهیجی یکی از علمای دینی سرزمین خود را به تربیت اسماعیل برگماشت.

در باره شمس الدین محمد گیلانی در منابع اطلاعات اندکی یافت می شود و از آنجا که وی نقشی به سزا در تربیت مذهبی شاه اسماعیل و شاهزادگان بعدی صفوی داشته است، جستجو در این زمینه برای آشکار شدن ریشه های تمایلات مذهبی پادشاه صفوی مفید است.

در این نوشته جستجو برای یافتن گزارش هایی در باره شمس الدین محمد گیلانی به ترتیب در چهارحوزه کتب تاریخ، کتب شرح حال و کتب فهرست و تواریخ محلی این مطلب پی گیری شده است.

کتب تاریخ

در کتب تاریخ تنها در چند مقطع اشاره ای گذرا به وی شده است. این موارد به شرح زیر است:

{۱}. تعلیم شاه اسماعیل در گیلان

اسماعیل وقتی که در گیلان بود، از محضر مولانا شمس الدین لاهیجی خواندن قرآن و آثار عربی و فارسی را فرا گرفت (زبده التواریخ، ص ۴۸؛ جهانگشای خاقان، ص ۶۴؛ احسن التواریخ، ص ۲۰). لاهیجی مسلماً در روح شاگرد خویش تأثیر در خور داشت، چون همو بود که کمی پس از جلوس اسماعیل به تخت شاهی، صاحب عالیترین مقام مذهبی در قلمرو امپراطوری شد، بعدها هم بنا بر گزارش تحفه سامی حضانت شاهزادگان بدو سپرده شد. بدین جهت اطلاع از عقاید شمس الدین گیلانی از آن رو حایز اهمیت است که در تکوین عقاید شاه اسماعیل سهیم بوده و گفته شده اسماعیل در اثر آموزش های شمس الدین و اطرافیان به شیعه گرایش پیدا کرده است.

{۲}. برگزیده شدن وی به صدارت پس از پیروزی شاه اسماعیل

شاه اسماعیل پس از دست یابی به قدرت در سال ۹۰۶ هجری به پاس خدمات شمس الدین لاهیجی، منصب صدارت را به او تفویض کرد (تکملة الاخبار، ص ۴۰؛ تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب، ذیل تاریخ حبیب السیر، ص ۶۶؛ زبده التواریخ مستوفی، ص ۴۸؛ وقایع السنین و الاعوام، ص ۴۴۰؛ روضه الصفویه، ص ۱۵۵). منابع به دنبال ذکر این مطلب عهده دار شدن امور شرعی و مهام فقهیه و نظارت بر اوقاف، قضای معسکر را از جمله وظایف وی شمرده اند.

{۳}. شریک شدن قاضی محمد کاشی با شمس الدین محمد گیلانی در صدارت

سه سال پس از عهده دار شده منصب صدارت، منابع از شریک شدن قاضی محمد کاشی با شمس الدین محمد گیلانی در سال ۹۰۹ هجری خبر داده اند (تاریخ جهان آرا، ص ۲۶۸؛ خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۸۴؛ خلد برین، ص ۱۲۵). این حادثه می تواند نشان از ضعف موقعیت وی در دربار باشد.

۴}. حضور در مراسم استقبال از ایلچی عثمانی{

شمس الدین محمد به همراه قاضی محمد کاشانی در مراسم تشریفات استقبال از سفیر عثمانی در سال ۹۱۰ هجری حضور داشته است(جهانگشای خاقان، ص ۲۲۵).

۵}. ملازمت شاه اسماعیل در سفر{

آخرین خبری که از وی در کتب تاریخ می توان سراغ گرفت مربوط به همراهی و ملازمت او با شاه اسماعیل به سال ۹۱۶ هجری در یکی از سفرها است که تاریخ خان(ص ۳۶۳) به آن اشاره کرده است: دو روزی را که نواب عالی را بنا بر رعایت ساعت و صلاح دولت قاهره بدان حدود دمرلقیا توقف فرمود، عالی جناب ملک محمود جان قزوینی وزیر و قاضی شمس الدین ، صدر پادشاه گردون سریر به همین وظایف ملازمت به جای آورد و پیش کشی گذرانیدند و از رهگذر خدمت و فیض ملازمت حظی کامل یافتند. البته وی تا سالها بعد زیسته اما از امور اداری بر کنار بوده است(بنا بر آن چه در تحفه سامی آمده، شمس الدین محمد تا ۹۵۷ هجری که سال اتمام نگارش تحفه سامی است زنده بوده است).

کتب شرح حال

در کتب تذکره نیز مختصر اشاراتی به وی شده است، مهمترین و مفصل ترین شرح حال وی را تحفه سامی (ص ۵۱) در حدود نیم صفحه گزارش کرده است. تذکره های بعدی تماماً قطعاتی از همان را بر گرفته و تکرار کرده اند(هم چنان که منشأ اطلاعات در کتب تاریخی چنین است).

بنا بر آنچه تحفه سامی آورده ، قاضی شمس الدین معلم پس از مدتی کوتاه که منصب صدارت را عهده دار بود از صدارت کناره گرفت«مولدش در لاهیجان گیلان است در محلی که صاحب قران مغفور در آنجا تشریف داشته اند، از آنجا به ملازمت ایشان به عزم جهانگیری علم افراشته، در ابتدای ظهور دولت این دودمان عظیم الشان منصب صدارت ممالک محروسه تعلق به ایشان داشته ، بعد از آن اندک مدتی ترک آن کرده به حال خود می بودند و بعضی اوقات به تعلیم اکثر شاهزادگان سواي من اشتغال می نمود ودر این ولا که سن شریفش از نود متجاوز است ، ترک علایق و عواید کرده، اوقات در طاعات و عبادات صرف می کند . این مطلع را حسب حال خود می گفت:

جوانی رفت در راه تو، پیر روزگارم من گرفتار بلا و درد و آه بی شمارم من»

شمس الدین محمد معلم عمری طولانی متجاوز از ۹۰ سال نمود، وی ذوق شعری داشته و دیوان شعری نیز از خود به یادگار گذاشته است(الذریعه ، ج ۹، ص ۵۴۲، شماره ۳۰۰۰). چنان که در منتخب الاشعار – که مؤلفش ناشناخته است و در آن سرگذشت سرایندهگان با قطعاتی از شعر های فارسی آنان آمده است - در شمار قاضیانی که شعر می سروده اند از «قاضی شمس الدین معلم لاهیجانی صدر شاه اسماعیل» نیز نام به میان آمده است(فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی ، تنظیم سید محمد باقرحجتی ، ص ۴۱۴).

کتب فهرست

الذریعه در دو جا به معرفی دیوان شعر قاضی شمس الدین محمد گیلانی پرداخته است که متأسفانه جستجوهای انجام شده در فهرس کتابخانه ها جهت یافتن این نسخه به نتیجه نرسید. در نسخه خطی دیگری به نام منتخب الاشعار که مختص ذکر شاعران و قطعاتی از اشعار ایشان است ، نامی از قاضی شمس الدین گیلانی صدر شاهر

اسماعیل برده شده است (فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ص ۴۱۴).

کتاب تواریخ محلی

در کتاب مربوط به تواریخ محلی، جز تاریخ خانی (که اشاره ای به شمس الدین محمد گیلانی دارد و از آن در بالا یاد شد) در این باره مطلب دیگری یافت نشد.

بررسی یک اشتباه

هم زمانی و هم نامی قاضی شمس الدین لاهیجی معلم با شمس الدین محمد لاهیجی نوربخشی که از بزرگان صوفیه نوربخشیه بوده است، موجب خلط بین این دو نام و پدید آمدن اشتباهاتی شده است. چنان که رویمر نویسنده بخش اول کتاب تاریخ ایران در دوره صفویان کمبریج (ص ۱۷) این دو شخص را یک نفر پنداشته و به همین منوال این اشتباه در دائرة المعارف بزرگ اسلامی نیز راه یافته است (مدخل اسیری لاهیجی نوشته نجیب مایل هروی). لازم به یاد آوری است که شیخ محمد بن یحیی بن علی گیلانی لاهیجی نوربخشی ملقب به شمس الدین و متخلص به اسیری از مردم لاهیجان گیلان در نیمه اول قرن نهم هجری تولد یافت. او نویسنده شرح معرف گلشن راز (اثری که انجیل تصوف ایران شمرده می شود) می باشد و در عین حال که صوفی نام آوری بود، به مذهب شیعه هم تعلق داشت (مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۶).

شاه اسماعیل صفوی وقتی که ولایت فارس و شیراز را گرفت به زیارت شیخ لاهیجی رفت و از او سئوال نمود که چرا لباس سیاه اختیار نمودی؟ شیخ فرمود: به جهت تعزیه امام حسین (ع)، شاه گفت: تعزیت ایشان قرار یافته که در سال ده روز باشد، شیخ گفت: مردم به خطا رفته اند، تعزیه آن حضرت تا دامن قیامت باقی است (مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۵۰؛ سید حسن نصر این داستان را حاکی از تحول کاملی دانسته که در بین اعضای طریقت نوربخشیه رخ داده و آنها را کاملا وابسته به تشیع کرده است. روند مشابهی نیز در بین طریقت نعمت الهی و صوفی مشاهده می شود. تاریخ ایران در دوره صفویان کمبریج، ص ۳۳۶).

از جمله تألیفات وی مثنوی اسرار الشهود و مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز است (الذریعه، ج ۹، ص ۷۶، شماره ۴۳۶ و ج ۲۱، ص ۲۰۱ ذیل مفاتیح الاعجاز). در گذشت وی سال ۹۱۲ هجری می باشد (طبقات اعلام الشیعه، ج ۴، ص ۱۳۰).

با این توضیحات واضح است که شمس الدین محمد لاهیجی متخلص به اسیری که صاحب خانقاه بوده غیر از شمس الدین محمد لاهیجی قاضی است که در پرورش شاه اسماعیل سهیم بوده و در دربار او حضور داشته است، ضمن آن که سال درگذشت اسیری لاهیجی ۹۱۲ هجری ذکر شده است اما زمان وفات لاهیجی قاضی و معلم همچنان که ذکر شده پس از ۹۵۷ هجری است (وی هنگام تألیف تحفه سامی در ۹۷۵ هجری زنده بوده است. تحفه سامی ص ۵۱). مزاو (ص ۱۹۸، توضیحات شماره ۲۰۳) نیز متذکر شده است که: نمی توان اثبات کرد که مولانا شمس الدین لاهیجی که لیه اسماعیل در گیلان بوده همان شمس الدین محمد بن علی گیلانی لاهیجی نوربخشی، مفسر گلشن راز شیبستری است.

مسئله ای که ممکن است موجب التباس و اشتباه بین این دو نفر شده باشد، حضور فرزند لاهیجی شارح گلشن راز (احمد بن شمس الدین محمد لاهیجی نوربخشی متخلص به فدایی که شاعر بوده و دیوان شعری از او باقی مانده است) در دربار شاه اسماعیل است، او از مقربان دربار شاه اسماعیل صفوی بود که به عنوان سفیر از سوی شاه

اسماعیل به سوی سلطان محمد شیبانی رفت و مباحثات و مناظراتی با بزرگان دربار او انجام داد و بعد از مراجعت مورد عنایت و اکرام شاه اسماعیل قرار گرفت (الذریعه، ج ۹، ص ۸۱۵، شماره ۵۵۰۰ و ج ۱۳، ص ۲۷۰، شماره ۱۰۰۱). در کتاب های زیر نیز جستجو شد اما مطبی در این زمینه یافت نشد:

ریاض العلماء افندی؛ روضات الجنات خوانساری؛ امل الآمل شیخ حر عاملی؛ رشحات عین الحیاة، واعظ کاشفی؛ تذکره نصر آبادی؛ تذکره میخانه ملا عبد النبي فخر الزمانی؛ تذکره المعاصرین حزین لاهیجی؛ تذکره ریاض العارفین رضا قلی خان هدایت؛ تذکره هفت اقلیم امین احمد رازی .

مشخصات منابع

- احسن التواریخ، حسن بیک روملو، تصحیح عبد الحسین نوایی، انتشارات بابک، ۱۳۷۵.
- تاریخ جهان آرا، قاضی احمد غفاری قزوینی، انتشارات کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.
- تاریخ خانی، علی بن شمس الدین بن حاجی حسن لاهیجی، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، امیر محمود خواند امیر، تصحیح محمد علی جراحی، نشر گستره، ۱۳۷۰.
- تحفه سامی، سام میرزای صفوی، تصحیح وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی.
- تکملة الاخبار، عبیدی بیگ شیرازی، تصحیح عبد الحسین نوایی، نشر نی، ۱۳۶۹.
- جهانگشای خاقان، مولف مجهول، مقدمه الله دتا مضطر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴۰۶.
- خلاصة التواریخ، قاضی احمد قمی، تصحیح احسان اشراقی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- خلد برین، محمد یوسف واله اصفهانی، به کوشش میر هاشم محدث، موقوفات افشار، ۱۳۷۲.
- الذریعه الي تصانیف الشیعه، آقا بزرگ الطهرانی، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۳.
- روضه الصفویه، میزار بیگ جنابذی، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، موقوفات افشار، ۱۳۷۸.
- زبدة التواریخ، محمد محسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، موقوفات افشار، ۱۳۷۵.
- طبقات اعلام الشیعه، آغا بزرگ الطهرانی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، الطبعة الثانية.
- فهرست نسخه های هطی کتابخانه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، گرد آوری سید محمد باقر حجتی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- مجالس المؤمنین، قاضی نورا الله شوشتری، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷.
- وقایع السنین و الاعوام، خاتون آبادی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲.

منبع:

<http://www.historylib.com>